

# نگاهی به گزارش‌های سیاحان اروپایی

شهرام امیری\*

## مقدمه

شهر اصفهان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است که تاریخی پرفراز و نشیب دارد. بنای شهر اصفهان را به «تیمورث دیوبند» پادشاه افسانه‌ای سلسله «پیشدادی» نسبت داده‌اند که این نکته نشان‌دهنده عمق قدمت این شهر می‌باشد.<sup>۱</sup>

اما تکامل این شهر به خصوص پس از اسلام در دوره امپراتوری بزرگ صفویه و از زمان سلطنت شاه‌عباس اول ۱۰۳۸ - ۹۹۵ هـ / ۱۶۲۹ - ۱۵۸۶ م می‌باشد.

انتقال پایتخت از شهر قزوین به اصفهان همزمان با یازدهمین سال سلطنت این شاه بزرگ یعنی در سال ۱۰۰۶ هـ / ۱۵۹۷ م انجام پذیرفت،<sup>۲</sup> و شاه به دلیل مقتضیات زمان و به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی و همچنین موقعیت سوق‌الجیشی این شهر و قرار داشتن آن در مرکز حکومت صفوی اقدام به این عمل نمود.

با انتخاب شهر اصفهان به عنوان پایتخت جدید، شاه و کارگزارانش فعالیت‌های فشرده عمرانی و سبعی برای بازسازی و نوسازی شهر اصفهان به نحوی که لایق مرکزیت امپراتوری صفویه شود آغاز کردند. در مدت سلطنت شاه‌عباس عملاً سیمای شهر اصفهان دگرگون گردید. استمرار مرکزیت اصفهان تا پایان سلسله صفوی (۱۱۳۵ هـ.ق) باعث پیشرفت، ترقی و توسعه این شهر گردید. تغییراتی که شاه‌عباس اول در سیمای شهر اصفهان پدید آورد، آنچنان گسترده بود که در زمان جانشین وی «شاه‌صفی» عملاً فعالیت‌های عمرانی در این شهر ادامه همان روندی بود که شاه‌عباس اول و کارگزارانش پی‌ریزی کرده بودند. اکثر فعالیت‌های عمرانی در شهر اصفهان در دوران چهارده‌ساله شاه‌صفی اول منحصر به ساخت و ساز و مرمت چند اثر مهم بود، تنها پیشرفت مهم در این عصر گسترش روزافزون جمعیت شهر به صورت غیر طبیعی بود که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

## اصفهان از دید سیاحان اروپایی

عصر صفوی یکی از دورانه‌های مهمی بود که رفت و آمد اروپاییان به ایران به دلایل مختلف سیاسی افزایش فوق‌العاده‌ای یافت و این سیاحان که به خصوص از عصر شاه‌عباس اول به ایران رفت و آمد نمودند، در سفرنامه‌هایی که نگاشته‌اند با دقت بی‌نظیری ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مردم ایران را مورد بررسی و نقد قرار داده‌اند. از جمله تحقیقات این سیاحان تغییرات گسترده‌ای بود که در شهر اصفهان به وقوع پیوست. در اینجا به نظریات سیاحانی می‌پردازیم که پس از اینکه سی سال از مرکزیت شهر اصفهان می‌گذشت به ایران آمدند و تغییراتی را که از جنبه‌های مختلف در این مدت در شهر اصفهان پدید آمده بود مورد بررسی قرار دادند.

گزارش‌های سیاحان اروپایی در دوره سلطنت شاه‌صفی ۱۰۵۲-۱۰۳۸ هـ.ق / ۱۶۴۳-۱۶۲۹ م حاکی از گسترش روزافزون جمعیت و فعالیت‌های عمرانی وسیع در این شهر بوده که بعضاً هم مشکلاتی را در روند شهرسازی اصفهان ایجاد کرده بود.

«یان اسمیت» سفیر و فرستاده دولت هلند، از اولین سفرای اروپایی بود که در دوران سلطنت شاه‌صفی اول به ایران آمد، وی سیمای شهر را چنین ترسیم می‌نماید: «اصفهان مرکز حکومت ایران است که در مدار ۳۳ شمالی قرار گرفته و از نظر وسعت به پای «آمستردام» می‌رسد، ولی اگر شهرکها و دهات اطراف را هم به آن اضافه نمایم به اندازه پاریس می‌شود. اصفهان دارای جمعیت زیاد و ساختمان‌های متراکم است که منظره خارجی منازل آن به علت خشتی و گلی بودن بسیار زنده می‌باشد، ولی برعکس، منظره داخلی خانه‌ها به مراتب بهتر است، زیرا دیوارهای گلی و سفید را معمولاً به طرز هنرمندانه‌ای با رنگ و گاهی با آب طلا تزئین می‌کنند».<sup>۳</sup>

\* - کارشناسی ارشد تاریخ.

# و ابنیه اصفهان در عصر شاه صفی

(۱۰۳۸ / ۱۶۲۹ تا ۱۰۵۲ / ۱۶۴۳)

راستای خواست شاه عباس اول بود. لذا در زمان سلطنت شاه صفی اول و پس از گذشت قریب به سی سال از این موقعیت جدید، اصفهان دارای جمعیت فراوانی گردید. گسترش بی‌رویه شهر در این دوره و حتی پس از آن مشکلات متعددی را از نظر اصول شهرسازی برای اصفهان پدید آورد و این معضلات درست در کنار بناهای رفیع و باشکوه صفوی خود را آرام آرام نشان می‌داد و این نکته از دید تیزبین سیاحان اروپایی پوشیده نماند و آنها در کنار تحسین و تمجیدی که از فعالیت گسترده ایرانیان در ساخت پایتخت بزرگ می‌نمودند، به این عیوب که آرام آرام چهره زشت خود را نمایان می‌ساخت نیز اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال درباره ترکیب ساخت کوچه‌ها و معابر عمومی و نحوه تردد مردم در آنها که به دلیل ازدحام جمعیت و ساخت‌وسازهای وسیع و نه‌چندان اصولی در مرکز شهر دچار معضل گردیده بود می‌نویسند: «کوچه‌ها و خیابانهای شهر که خانه‌ها در اطراف آنها واقع شده‌اند، باید آنقدر عریض باشند که لااقل بیست سوار بتوانند از کنار یکدیگر بگذرند، ولی به‌علت ازدحام و ازدیاد جمعیت اصفهان و افزایش عده خانه‌ها، عبور و مرور در کوچه‌ها و خیابانها به‌خصوص در نزدیکی میدان بزرگ (نقش جهان) و بازار شهر با دشواری و کندی انجام می‌پذیرد».<sup>۸</sup>

بنابراین در کنار شاهکارهای معماری در این دوران، این معضلات نیز گریبانگیر مردم اصفهان می‌گردید و با وسعت یافتن شهر که حتی پس از شاه صفی اول نیز ادامه یافت بر مشکلات افزوده گردید. شاردن که سالها پس از مرگ شاه عباس و شاه صفی به اصفهان آمده به این معضلات به‌صورت مستقیم اشاره دارد. وی سه عیب مهم درباره معماری شهر اصفهان بیان می‌کند و در این باره می‌نویسد: «اول آنکه کوچه‌ها اغلب مسقف و یا گود است، زیرا در اکثر آنها جویهای آب جاری است و برای کسانی که با اسب حرکت می‌کنند خطر دارد، دوم در

اولثاریوس نیز که بعدها به‌همراهی هیأت نمایندگی «دوک هولشتاین» در عصر شاه صفی اول به ایران آمد و مدتی در شهر اصفهان بود، درباره فضای شهر می‌نویسد: شهر اصفهان در جلگه‌ای صاف و مسطح قرار دارد و ارتفاعات و کوهها در فاصله سه تا چهار میلی آن می‌باشد، طول محیط شهر اصفهان با احتساب حومه در حدود هشت میل است و اگر یک نفر با اسب به‌طور تاخت بخواهد دور شهر بگردد، لااقل یک روز تمام در راه خواهد بود».<sup>۹</sup> اولثاریوس در مدت اقامت خود در ایران و به‌خصوص اصفهان در کنار سایر مطالعات خود درباره حیات مردم ایران، بررسی درخور توجهی نیز درباره معماری و چگونگی ساخت خانه‌های اصفهان ارائه داده است که با تعمق و بررسی در باره نوشته‌های وی می‌توان اطلاعات جامعی از چگونگی معماری و خانه‌سازی در اصفهان در این دوره به‌دست آورد؛ به‌عنوان نمونه در بخشی از نوشته‌های خود در این باره می‌نویسد: «داخل شهر در کنار خانه‌های معمولی طبقات عادی مردم، خانه‌های مجلل و باشکوهی هم وجود دارد که ظاهر آنها جالب نیست، ولی وقتی داخل آن خانه‌ها شوید، فوق‌العاده زیبا و تماشایی است. خانه‌های معمولی را مطابق روشی که در ایران معمول است از خشت و گل ساخته‌اند، ولی خانه‌های اعیانی و اشرافی از آجر ساخته شده و دو، سه و چهار طبقه است که به هر طبقه‌ای هم نام مخصوصی داده‌اند، به طبقه زیرین، «زیرزمین» به طبقه دوم «خانه» و به طبقه سوم «کوشک»<sup>۱۰</sup> و به طبقه چهارم «جوفه» می‌گویند، اتاقهای بدون سقف را «ایوان» می‌گویند. ساختمانها معمولاً در اطرافشان ایوان وجود دارد که شبهای تابستان برای استفاده از هوای خنک و آزاد از آنها به‌جای اتاق خواب استفاده می‌نمایند».<sup>۷</sup>

اصفهان پس از اینکه موقعیت پایتخت را پیدا کرد به‌سرعت شروع به پیشرفت نمود و این نکته درست در

انجام داده است که به سادگی و عظمت بنا می‌افزاید...<sup>۱۱</sup>  
 اولشاریوس در سفرنامه خود اذعان می‌دارد که  
 شاه‌عباس اول این مسجد را به نام «مهدی صاحب‌الزمان»  
 ساخته و تقدیم او نموده است.<sup>۱۲</sup>  
 در دوره شاه‌عباس اول هنگامی که معماران قصد  
 داشتند تا دیواره‌های مسجد را با سنگهای مرمر تزئین  
 نمایند دچار کمبود سنگ شدند. در این میان شاه که  
 بسیار مایل بود ساختمان مسجد به سرعت به پایان  
 برسد تصمیم گرفت تا از سنگهای به کار گرفته شده در  
 «مسجد جامع عتیق» برای تزئین مسجد جامع جدید  
 استفاده نماید. می‌نویسند وی به واسطه تضرع و

کروچه‌ها چاههایی هست که اگر شخص عابر توجهی  
 نداشته باشد، دچار زحمت می‌شود. سومین عیبی که از  
 همه بدتر و نفرت‌انگیزتر است آن است که، فضولات  
 مستراح‌ها در گودالهایی که در زیر دیوار منازل است وارد  
 می‌شود و ضمناً سایر کثافات را هم در آن می‌ریزند».<sup>۹</sup>  
 اینک پس از بررسی گذرای گزارشهای سیاحان  
 اروپایی درباره فضای کلی معماری و شهرسازی در  
 اصفهان به معرفی ابنیه‌ها و ساختمانهایی که در دوره  
 سلطنت شاه‌صفی ساخته و یا مرمت گردید می‌پردازیم.

## ابنیه اصفهان در عصر شاه‌صفی

### تکمیل مسجد جامع عباسی

این مسجد بنا به نظر سیاحان اروپایی از جمله بزرگترین  
 و باشکوهترین مساجد ایران است. «در سال ۱۰۲۰ ه. ق.  
 به فرمان شاه‌عباس اول شروع به ساخت آن گردید و در  
 سال ۱۰۲۵ ه. ق. سردر و تزئینات کاشیکاری آن  
 به منظور تکمیل آرایش اطراف میدان به اتمام رسید.  
 ساخت و ساز و تزئین سایر قسمت‌های این مسجد تا  
 آخرین سال حیات شاه‌عباس اول ادامه داشت، لیکن  
 ادامه بنا و تعمیرات و مرمت آن در زمان جانشینان وی  
 یعنی شاه‌صفی اول و شاه‌عباس دوم، حتی تا زمان شاه  
 سلیمان (شاه‌صفی دوم) ادامه یافت. آخرین سالهای  
 تاریخی که در ساختمان مسجد به صورت حک شده از  
 عهد صفویه دیده می‌شود، سال ۱۰۷۷ ه. ق. در کتیبه  
 سردر غربی مسجد می‌باشد».<sup>۱۰</sup>

ایسن مسجد یکی از بزرگترین و زیباترین  
 عبادتگاههای ایران است که اکثر سیاحان و محققان  
 در وصف عظمت و شکوه آن قلمفرسایی نموده‌اند، و  
 در باره آن می‌نویسند: «در انتهای میدان (نقش جهان)  
 طاقی بلند که بر روی دهلیزی بنا شده و سقفش با  
 مقرنس و کاشی مینادار و آیات قرآنی مزین گردیده و  
 در دو طرفش دو مناره بلند که روی بدنه آن همان  
 تزئینات به شکل مارپیچ به کار رفته برپاست. اینجا  
 از یک هشتی با دالانی که در وسط آن سنگاب بزرگی  
 از سنگ سماق به کار رفته است، داخل صحن مسجد  
 می‌شویم و در این هنگام طرز ویژه معماری و ساختمان  
 مسجد که از بیرون نیز پیداست، کاملاً نمایان می‌شود.  
 چون میدان تقریباً به موازات محور جنوب و شمال  
 ساخته شده، معمار مجبور بوده است. محور عمارت  
 مسجد را منحرف نموده و به طرف جنوب شرقی تمایل  
 دهد تا محراب مسجد درست مساوی قبله و خانه خدا  
 واقع باشد. سلیقه معمار این منظور را چنان خوب



«محمد رضا امامی» نگاشته شده که تاریخ سال دوم سلطنت شاه صفی اول یعنی ۱۰۴۰ هـ. ق را در بر دارد متن این کتیبه به این شرح است:

قال الله تعالى شأنه و تعاظم سلطانه انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين و قال الله تعالى في سورة الجن و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً و عن مولانا ابی عبدالله الصادق عليه السلام و عن ابیه الباقر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم من كان القرآن حديثه والمسجد بيته بنى الله بيتاً في الجنة - كتبه محمد رضا الامامی حامداً لله تعالى في ۱۰۴۰ هـ. ق ۱۴

درخواست علما و بزرگان دربار از این عمل منصرف گردید، لیکن نکته جالب این بود که در همان حین معدنی از سنگ مرمر در نزدیکی اردستان کشف گردید، اما قبل از اینکه سنگهای استخراجی از این معدن در ساختمان مسجد به کار رود شاه عباس اول درگذشت و ادامه این عملیات به زمان شاه صفی اول موکول گردید. هنگامی که اولتاریوس در سال ۱۰۴۷ هـ یعنی سال نهم سلطنت شاه صفی به اصفهان آمد هنوز کار نصب سنگهای مرمر به پایان نرسیده بود.<sup>۱۳</sup> همچنین در ایوان غربی مسجد با خط سفید بر روی زمینه کاشی خشت لاجوردی، کتیبه‌ای به قلم

دورنمای شهر اصفهان در زمان شاه صفی از سفرنامه اولتاریوس



محمد رضا امامی که او را امام خطاطان می نامند  
معاصر شاه عباس اول، شاه صفی اول و شاه عباس دوم و  
شاه سلیمان بوده است.<sup>۱۵</sup>

همچنین در اطراف کتیبه اطراف محوطه زیر گنبد  
غربی نیز کتیبه ای به خط ثلث سفید در زمینه کاشی  
آبی لاجوردی که بسیار طولانی است به قلم  
محمد رضا امامی نگاشته شده که تاریخ اولین سال  
سلطنت شاه صفی یعنی سال ۱۰۳۹ هـ. را در بر دارد.<sup>۱۶</sup>  
بنا به نظر نویسندگان کتاب آثار ایران، کتیبه دیگری  
در پایین بخش مرکزی، کتیبه اول در سردر اصلی قرار  
گرفته است. این کتیبه در دو سطر و به خط ثلث شبیه به  
اولی ولی با حروف کوچکتر نگاشته شده است. در این  
کتیبه تاریخ دیده نمی شود، لکن در متن آن مطالبی در  
بزرگداشت پایان کار و ساختمان مسجد آمده است. نظر  
به اینکه کتیبه بزرگ ایوان غربی که شرح آن در بالا آمده  
حاکمی از پایان کار بخش عمده ای از بنا در تاریخ  
۱۰۴۰ هـ. ق. می باشد؛ یعنی آخرین تاریخ ثبت شده از  
کار در مسجد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که  
ساختمان مسجد به طور عمده در عصر شاه صفی اول به  
پایان رسیده است. این کتیبه عبارت است از: «قد تمت  
بعون الله و حسن توفیقه عمارة المسجد الذی حرّی به انّ  
یکون لما صلیت صلوة الجمعة بشرائطها فیضاً هی  
المسجد الاقص الذی بورک حوبی بها فطوبی ثم طوبی لمن  
رعی ترصیف بنیانه و ارکانها اعنی من عظم قدرة بین اقرانه  
لازال کاسمه محب علی بیکالله و بمعاریة من فی العمل  
کالمهندسین و هو النادر استاد ابی علی اکبر الاصفهانی یشرفه  
الله شرفاً جزیلاً کتبه محمد رضا الامامی».<sup>۱۷</sup>

در اصلی مسجد که در ضلع جنوب میدان و در زیر  
مقرنس عالی سردر یا شکوه آن واقع گردیده و با نقره و  
طلا پوشش شده شامل اشعاری است به خط نستعلیق  
برجسته که سال اتمام و نصب آن را به زمان شاه صفی  
اول می رساند. در آخر شعر، سراینده اشعار نام خود را  
«واهب» عنوان می نماید.<sup>۱۸</sup>

تاورنیه سیاح معروف عصر صفوی که در زمان  
شاه صفی و شاه عباس دوم به ایران آمد و معمولاً با  
کج خلقی و کج سلیقه‌گی خاص خود معماری ایرانی و  
خصوصاً معماری اصفهان را کم اهمیت جلوه می دهد، از  
این در باشکوه تمجید نموده است.<sup>۱۹</sup>  
اشعاری که بر لنگه راست در نقش گردیده در اینجا  
نقل می گردد:

«چون خدیو زمانه شاه صفی

شاه دشمن گذار و بنده نواز

که از این در شه فرشته خصال  
می برد ره بکعبه بی تک و تاز  
کی به انجام می رسد حرفم

وصف این مسجد از کنم آغاز  
مسجدی کز شرف بیک مسجد

کرده با مسجد الحرام نماز  
خانه بانی و زمان و زمین

کعبه ثانی عراق و حجاز  
میرغ روح کبوتران حرم

می کند در هوای آن پرواز  
نقره قرص مه ز رشک درش

می خورد چون طلای مهر گداز  
باز شد چون بتازگی این در

در صفاهان بروی اهل نیاز،<sup>۲۰</sup>  
بر روی لنگه در چپ هم این شعر منقوش گردیده است:

«این بنا خلقتی که صبح ازل

در توفیق شد برویش باز

آنکه سعیش ببوستان نجف

داد آب روان بس عمر دراز

شاهسوار قلمرو دانش

خسرو عهد داور ممتاز

شرع پرور شهی که جبریلش

بدعا کرده وقت نماز

داد فرمان که این در مسجد

یابد از نقره و طلا پرداز

زرگرانش به کارخانه ذوق

گرم خدمت شدند چون دم و گاز

چون به اقبال شاه گشت تمام

آمد از روی آسمان پرواز

فکر تاریخ کرد و «واهب» گفت

«شد در کعبه از صفاهان باز»<sup>۲۱</sup>

مصرع آخر بر طبق حروف ابجد سال ۱۰۴۶ هـ. ق را  
نشان می دهد. خوشنویس این اشعار بر روی در

«رشیدای» خوشنویس می باشد.<sup>۲۲</sup>

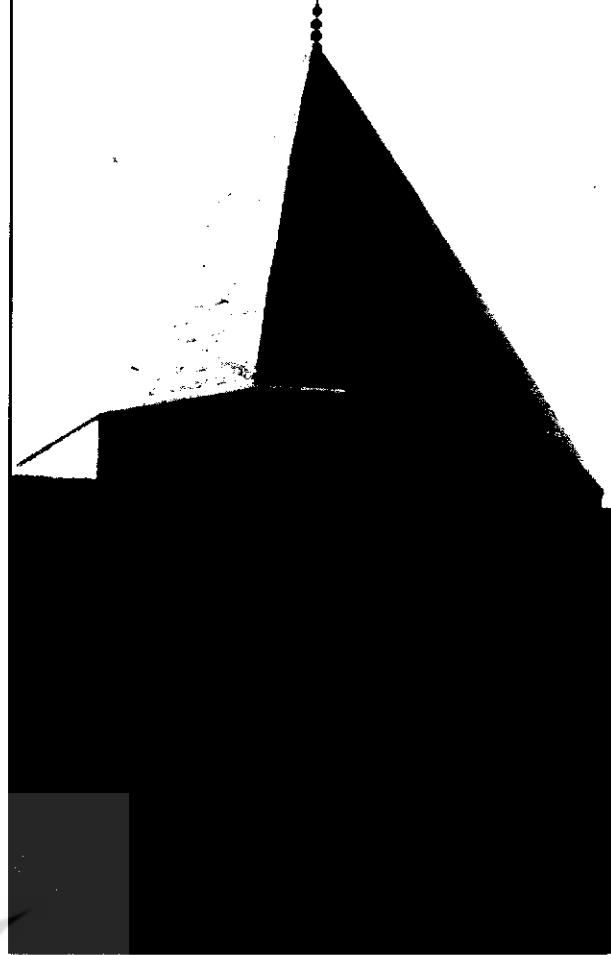
همچنین می نویسند که در ورودی مسجد جامع  
عباسی به نام مبارک مهدی صاحب الزمان مزین

گردیده بود.<sup>۲۳</sup>

این مسجد عظیم و بزرگ دارای عایداتی بوده است  
که از طریق وقف تأمین می شده، همچنین مبالغ متنوع و

یا زمین یا عوایدی را وقف این مسجد می نمودند و این  
مسجد دارای متولی بوده که وی یکی از رجال مهم

کشور بوده است.<sup>۲۴</sup>



گنبد و نمای ورودی مقبره بابارکن الدین

### مقبره بابا رکن الدین

«بابا رکن الدین مسعود بن عبدالله بیضاوی یکی از بزرگان و مشایخ علما و عرفان قرن هشتم هجری است که با نهایت احترام در اصفهان می‌زیسته و در روز یکشنبه ۲۶ ربیع‌الاول سال ۷۶۹ هـ وفات یافته است.<sup>۲۵</sup> این مزار در قسمت جنوبی زاینده‌رود و مجاور جاده قدیم شیراز در قبرستان قدیمی اصفهان به نام تخت‌پولاد قرار دارد. در اطراف قبر بابارکن الدین مدفن عده زیادی از مشاهیر علما و فقها و شعرا و خوشنویسانی است که چه در عهد صفویه و چه پس از آن در اصفهان وفات یافتند و در اطراف قبر بابارکن الدین به فواصل نزدیک و یا دور به خاک سپرده شدند. لیکن هیچ یک از قبرهای تاریخ‌دار موجود در این قبرستان از قبر بابارکن الدین قدیمی‌تر نیست و ظاهراً به همین علت هم بوده است که تا اواخر عهد صفویه این مکان را قبرستان بابارکن الدین می‌خوانده‌اند. می‌نویسند حتی پل معروفی که راه اصفهان به تخت‌پولاد است، یعنی پل خواجو نیز به نام بابا رکن الدین مشهور بوده است.<sup>۲۶</sup> مقبره بابارکن الدین دارای گنبدی است که از داخل و خارج با کاشی پوشیده شده، عباس اول برای خوشایند

مردم اصفهان که همیشه به این مرد مقدس علاقه داشته‌اند دستور داد که این مقبره را بسازند. مقبره از فاصله دور و هنگامی که از شیراز به اصفهان می‌آیند به شکل هرمی بزرگ می‌نماید.<sup>۲۷</sup>

نقشه بنا به شکل یک پنج‌ضلعی است که به یکی از اضلاع آن پیشخوانی اضافه گردیده است. محور اصلی آن با قبله دقیقاً تطبیق می‌کند. این بنا یکی از زیباترین ابنیه عصر صفوی است آراستگی، تناسب کامل ابعاد کلی هر یک از جزئیات بنا در مقایسه آن و اصالت نقشه پنج‌ضلعی، آن را بنایی می‌نماید که بسیار دقیق و متجانس ساخته شده.<sup>۲۸</sup> در داخل بنا پنج طاقنمای بزرگ دور شبستان مرکزی وجود دارد. آرامگاه بابارکن الدین در یکی از طاقنماها که با ضریحی چوبی بسته شده جای دارد.<sup>۲۹</sup>

اعتقاد عمومی بر این است که وی ظاهراً در زاویه عبادت خویش مدفون گشته است.<sup>۳۰</sup> بر روی آرامگاه سنگ بزرگ مرمری به طول بیش از دو متر و عرض ۱/۱۶ متر قرار دارد. این ایوان همان‌طور که ذکر گردیده با نرده مشبک چوبی از صحن مرکزی مجزا گردیده است و قطعه سنگ مرمر نفیسی به طول ۱/۶۳ متر و عرض ۸۹ سانتی‌متر که کتیبه آن معرف بابارکن الدین است به صورت عمودی در کنار آن نصب شده است.<sup>۳۱</sup>

قاعده گنبد مقبره مخمس متساوی‌الاضلاع است. و دارای دوازده ترک می‌باشد که می‌نویسند این تعداد نشانه شیعه دوازده امامی بودن بابارکن الدین است.<sup>۳۲</sup> درباره ترکیب ساختمان مقبره بابارکن الدین می‌نویسند: «چون او به عرفان و درویشی معروف است تکیه او را هم مناسب حال او ساخته و عوض گنبد بر سر آن به شکل کلاه درویشی مخروط ساخته‌اند».<sup>۳۳</sup>

کتیبه سردر بقعه به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی آبی می‌باشد و خط آن به قلم محمدرضا امامی و به نام شاه‌عباس اول نگاشته شده و تاریخ آن سال اول سلطنت شاه صفی یعنی ۱۰۳۹ هـ می‌باشد. کتیبه بدین شرح است: «بتأیید الله الواحد الباقي قد ارتفع عمارة هذه البقعة الملكوتية في ایام دولة كلب سدة علی بن ابي طالب صلوات الله و سلامه عليه عباس الحسيني بهادرخان خلدالله تعالی ملكه و سلطانه الی يوم القیام و تمت بحسن اهتمامه و الانقیاد لاوامرة الامریومئذ لله تعالی».<sup>۳۴</sup>

در مجاورت مقبره چند اتاق مربوط به یکدیگر واقع شده که یکی از آنها مربوط به چله‌خانه می‌باشد و سابقاً مرتاضان در آنجا چله‌نشینی می‌کردند، آنجا سابقاً دارای گچ‌ریزهای ممتاز بوده و اشعاری زینت‌بخش دیوارهایی بوده که امروزه اثر چندانی از آنها باقی نیست.

## مسجد آقانور

از جمله مساجد عصر صفوی مسجد آقانور است که ساخت آن را منتسب به «آقانور» می‌دانند. وی از فضلا و علمای زمان شاه‌عباس اول و شاه‌صفی بوده است.<sup>۳۵</sup>

این مسجد در محله دردمشت واقع شده و از بناهایی است که در دوره پادشاهی شاه‌عباس اول بنا گردیده و در اولین سال سلطنت شاه‌صفی به پایان رسیده است، به همین مناسبت در کتیبه سردر نام هر دو پادشاه عنوان گردیده است. متن کتیبه سردر ورودی مسجد بدین شرح می‌باشد: «قال الله تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة. در ایام دولت جاوید مدت کلب آستان علی بن ابی‌طالب، صلوات‌الله و سلامه علیه عباس حسینی و در اول جلوس پادشاه عادل شاه‌صفی بهادرخان خلدلله ملکه و سلطان و افاض علی العالمین بره و عدله و احسانه توفیق یافت نورالدین محمد اصفهانی باتمام عمارة این مسجد خالصاً لوجه‌الله تعالی.

کتبه محمدرضا الامامی ۱۰۳۹ هـ.<sup>۳۶</sup>

بنای این مسجد همان‌طور که ذکر شده به همت «نورالدین محمد اصفهانی» در دوران پادشاهی شاه‌عباس اول آغاز و در دوران سلطنت شاه‌صفی اول به پایان رسیده است.

در داخل ایوان شرقی مسجد آقانور در یک حاشیه کاشیکاری که دارای متنی زردرنگ است، در ده لوح به خط نستعلیق سفید و بر زمینه کاشی خشت لاجوردی اشعاری فارسی نگاشته است که ضمن معرفی سازنده مسجد در بر دارنده تاریخ مشخص نیز می‌باشد. بخشی از این اشعار به شرح زیر می‌باشد.

«صاحب خُلُق و فیض آقانور

که چو خورشید مهربان علمست

مسجدی ساخت در کومکی<sup>۳۷</sup>

که به گیتی یگانه حرمتست

... ..

معبد اهل اصفهان چون شد

مسجد نور کعبه عجم است

در پایان اشعار نام نویسنده چنین آمده است: «کتبه

العبد نورا»<sup>۳۸</sup>

استاد دکتر هنرفر معتقدند که مصرع آخر به حروف

ابجد سال ۱۰۳۴ هـ. ق می‌باشد.

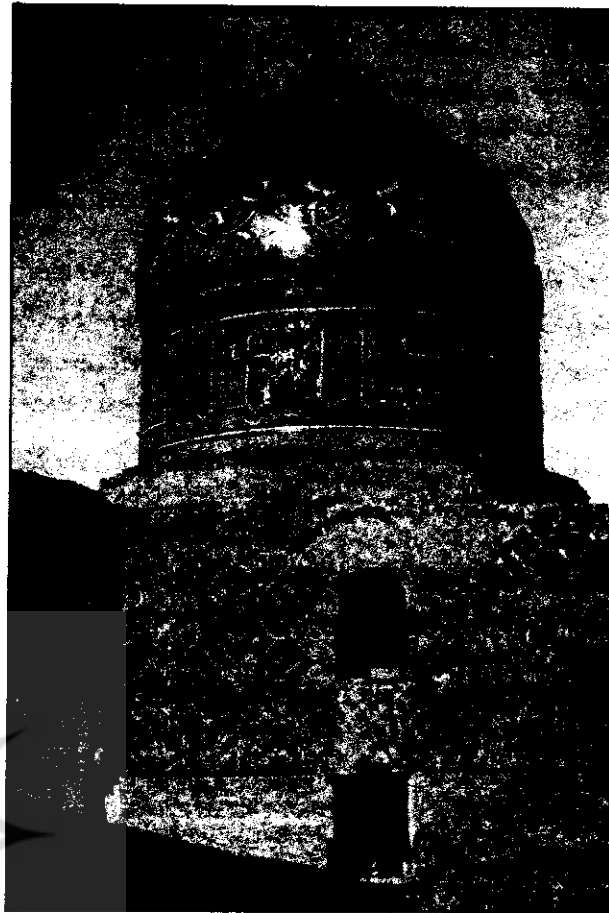
محور اصلی بنا ایوان جنوبی و گنبد و صحن آن می‌باشد که از بناهای عصر صفوی است. این ایوان دارای کتیبه‌ای به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی‌رنگ می‌باشد که دارای دو تاریخ است که هر



نمای ایوان جنوبی مسجد آقانور

دو متعلق به دوره قاجاریه می‌باشد. تاریخ اولی ۱۲۵۸ هـ و در کنار آن نام نویسنده کتیبه «محمدباقر شیرازی» حک گردیده است، ولی در کنار تاریخ دوم یعنی سال ۱۲۷۹ هـ. هیچ نامی ذکر نگردیده است. گنبد ساختمان جنوبی از نوع آجری است و هیچ تزیینات خاصی در آن وجود ندارد، فقط در محوطه زیرگنبد و در داخل امارت کتیبه‌ای به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی‌رنگ است که دارای تاریخ «صفر المظفر ۱۴۰۱ هـ. ق» می‌باشد و از الحاقات بنا پس از انقلاب اسلامی است. شبستان مسجد آقانور که در سمت غرب مسجد قرار دارد در ردیف زیباترین شبستانهای مساجد اصفهان است که ستونهای آن سنگی است، طاقهای متعدد آن دارای قطعاتی از سنگ مرمر شفاف است و روشنایی شبستان را هنگام روز تأمین می‌کند.<sup>۳۹</sup>

این شبستان دارای محراب کوچکی است که طرفین آن در دو شکل مربع به خط بنایی مشکی ساده بر روی زمینه زردرنگ عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول‌الله، علی ولی‌الله»، حک شده است. شبستان مسجد از الحاقات مسجد در قرن سیزدهم هجری و بانی آن «حاج محمد ابراهیم قزوینی» امام جماعت وقت مسجد بوده است.<sup>۴۰</sup> مسجد آقانور دو در ورودی دارد، در اصلی به همراه کتیبه اصلی مسجد در جبهه شرقی قرار دارد و در دیگر نیز در شمال غربی حیاط قرار دارد که به واسطه یک دهلیز به محوطه مسجد متصل می‌گردد.



گنبد امامزاده اسماعیل

### امامزاده اسماعیل

در یک نگاه کلی مجموعه بنای امامزاده اسماعیل و مسجد شعیا، شامل مسجدی بسیار قدیمی یا مقبره درون آن، امامزاده، رواق، سردر ورودی، گنبدی بزرگ و زیبا، ایوان، در نفیس، آرامگاه قاضی صفی‌الدین محمد، مجموعه‌ای از سنگ قبرها، سنگابها و تزیینات کاشیکاری و گچبری و تعدادی کتیبه از دوران صفویه است.<sup>۴۱</sup>

مجموعه امامزاده اسماعیل از دو بخش کلی تشکیل شده است. ۱- مسجد شعیا ۲- امامزاده اسماعیل و ملحقات آن.

وجه تسمیه مرقدی که به نام شعیا است مشخص نیست و ساختمان مرقد آن دارای بنای آجری منشوری به همراه یک گلدسته قدیمی می‌باشد که داخل بنا با گچ اندود شده است. ارتفاع مرقد در حدود ۱/۷۰ متر و عرض آن یک متر است. در جانب شمال مرقد کتیبه‌ای به خط نستعلیق برجسته از دوره سلطنت شاه سلطان حسین

به جای مانده است و عنوان می‌نماید که مسجد مزبور در دوره خلافت «علی بن ابی طالب» بنا گردیده و در دوران «آلب ارسلان» سلطان سلجوقی تعمیر گردیده است. آخرین تاریخ موجود در بنا مربوط به کتیبه‌ای از دوران شاه سلطان حسین صفوی سال ۱۱۱۲ ه. ق می‌باشد.<sup>۴۲</sup>

امامزاده اسماعیل یکی از امامزاده‌های صحیح‌النسب و معتبر اصفهان است و نسب او در اطراف یک پنجره چوبی به شرح زیر است: اسماعیل بن زید بن حسن بن حسن بن الامام علی بن ابی طالب<sup>۴۳</sup>

می‌نویسند این امامزاده را اسماعیل دیباج هم می‌نامیدند که ظاهراً به مناسبت فروش «دیباج» که نوعی پارچه ابریشمی است به این نام معروف گردیده است.<sup>۴۴</sup> کتیبه سردر ورودی صحن امامزاده به خط ثلث سفید و کاشیهای لاجوردی رنگ می‌باشد و تاریخ سال چهارم سلطنت شاه صفی یعنی سال ۱۰۴۰ ه. رادر بردارد. بنابراین در یک نگاه کلی می‌توان این چنین ارزیابی نمود که با توجه به کتیبه سردر رواق ورودی امامزاده که سال اتمام بنا را سال ۱۰۴۰ ه. نشان می‌دهد، بنای بقعه و گنبد امامزاده از دوران شاه عباس اول آغاز گردیده و در دوره شاه صفی به اتمام رسیده است. همچنین با توجه به کتیبه‌های موجود در صحن امامزاده می‌توان نتیجه گرفت که الحاقات و تعمیراتی نیز در دوره سلطنت شاه سلطان حسین انجام پذیرفته است. متن کتیبه سردر ورودی امامزاده بدین شرح می‌باشد: «اتمام هذه العمارة المنورة فی ایام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم السلطان ابوالمظفر شاه صفی الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی كافة العالمین بره و عدله و احسانه - فی شهر ذی‌قعدة الحرام فی ۱۰۴۱ ه. ق - کتبه محمدرضا الامامی».

در قسمت فوقانی در رواق و بالای کتیبه مزبور، لوحی سنگی نصب گردیده است که متن آن با خط ثلث حاکی از اقدام شاه سلطان حسین صفوی نسبت به تعمیر ساختمان بقعه است. همچنین در حاشیه لوح سنگی مذکور به خط نستعلیق برجسته اشعاری حجاری گردیده که مضمون آنها حاکی از اقدام حاج محمد ابراهیم بیگ یوزباشی نسبت به تعمیر و تزیین بقعه می‌باشد.<sup>۴۵</sup>

همچنین کتیبه دیگری با خط نستعلیق برجسته حاکی از انجام تعمیرات در بنا بر روی سنگ دیگری در بالای کتیبه قبلی نصب گردیده که متن آن به صورت منظوم می‌باشد و تاریخ آن به سال ۱۲۹۹ ه. ق در زمان سلطنت فتحعلی شاه می‌باشد.





مسجد و مناره شهرستان که اصفهان فروشان به طمع آجرهای آن خاک آن را در توبره کردند.

می باشد که متن آن بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً احد قال الله تعالى و اذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت و اسمعيل ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم صدق الله العظيم و صدق رسوله النبي الكريم. عمل كاتب العبد حسن بن علي بن غياث البناء».<sup>۵۰</sup>

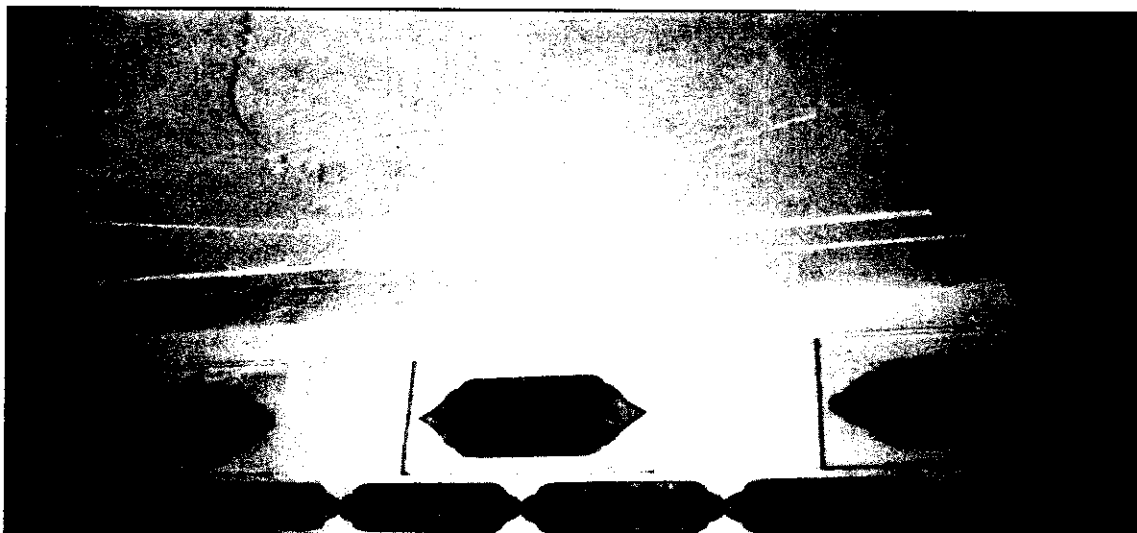
در صحن امامزاده دو سنگاب نفیس وجود دارد که هر دو سنگاب شامل صلوات بر چهارده معصوم است. یکی از این دو سنگاب به نام بانی آن «حاجیه شاهمر» است و تاریخ نصب آن سال ۱۰۴۹ ه. ق در ایام سلطنت شاه صفی اول می باشد. همچنین در کنار ساختمان اصلی بقعه چند سنگ قبر دیده می شود که یکی از این سنگها تاریخ ۱۰۴۷ ه. یعنی ایام سلطنت شاه صفی را بر خود دارد.<sup>۵۱</sup>

#### مسجد شهرستان (جامع جی)

از دیگر بناهایی که در عصر شاه صفی اول در اصفهان بنا گردیده، مسجد جامع شهرستان بوده که اکنون از آن مسجد چندان چیزی باقی نمانده است، تاریخ کتیبه این مسجد نشان دهنده سال پنجم سلطنت شاه صفی اول یعنی ۱۰۴۲ ه. می باشد. متن این کتیبه بدین شرح است: «قال الله تعالى انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم یخس الا الله فعسی اولئک ان یكونوا من المهتدین فی شهر رمضان المبارک سنة ۱۰۴۲ ه. کتبه محمدرضا الامامی الادهمی».<sup>۵۲</sup>

رواق بقعه امامزاده به سرسرای ختم می گردد که از یک طرف به دهلیز مقبره و از طرف دیگر به مسجد کوچک شعیا منتهی می شود. دهلیز مقبره امامزاده اسماعیل به وسیله در منبت کاری نفیسی به مرقد «شعیا» اتصال می یابد. این در که از لحاظ صنعت منبت کاری یکی از درهای نفیس بناهای تاریخی اصفهان است، در دوره پادشاهی، «سلطان محمود آل مظفر» در این مکان نصب شده.<sup>۴۶</sup> و بر روی لنگه های آن صلوات و جملات مذهبی حک گردیده است. خوشبختانه این در را هم اکنون در وضعیت مناسبی سازمان میراث فرهنگی حفاظت می کند.

سردر صحن امامزاده اسماعیل در جانب غربی آن و در زیر چهارسوی معتبر و معروف آجری که ساختمان آن را از دوره ترکمانان حدس می زنند واقع شده است. کتیبه چهارسو به جای نوشته دارای یک حاشیه کاشیکاری است. این چهارسو یکی از معتبرترین چهارسوهای اصفهان و دارای بنایی بسیار جالب است که اشعاری به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی باقی مانده از دوران شاه سلطان حسین دارد.<sup>۴۷</sup> کتیبه سردر صحن امامزاده نیز حاکی از تعمیرات سردر در دوران شاه سلطان حسین است.<sup>۴۸</sup> نمای خارجی گنبد امامزاده اسماعیل دارای کاشیکاری نفیسی است و بنا به نظر دکتر هنرفر به احتمال زیاد این اقدام در دوره شاه عباس اول صورت گرفته است.<sup>۴۹</sup> کتیبه اطراف گنبد به خط بنایی ساده لاجوردی رنگ به زمینه آجری



### تکیه و مرقد میرفندرسکی

از دیگر آثار به جای مانده از عصر صفوی تکیه میرفندرسکی و سنگ مقبره عالم و دانشمند معروف عصر شاه عباس اول و شاه صفی اول، «میرزا ابوالقاسم، از جمله سادات معروف «استرآباد» می باشد.<sup>۵۳</sup>

در اطراف تکیه و مقبره میر اتاقها و حجره‌هایی واقع گردیده است که مدفن عده‌ای از رجال اصفهان پس از دوره صفوی می باشد. از جمله آنها تعدادی از بزرگان بختیاری هستند که در نهضت مشروطیت نقش مهمی را ایفا نمودند.

آرامگاه میرفندرسکی در انتهای زاویه شمال غربی تکیه واقع شده و دارای یک سکوی بزرگ می باشد که از سنگ مرمر پوشیده شده است. طول آن ۳/۶۰ متر و عرض آن ۱/۹ متر و ارتفاع آن متجاوز از یک متر می باشد. وفات این عالم بزرگ در دوازدهمین سال سلطنت شاه صفی یعنی در سال ۱۰۵۰ هـ. ق اتفاق افتاده است. در قسمت شمالی این سکو کتیبه‌ای وجود دارد که به معرفی صاحب قبر پرداخته است. متن این کتیبه بدین شرح می باشد: «الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون هذا مرقد قدوة الاولیاء و زبدة الاوصیاء و معتضد الاصفیاء معتمد العرفاء قاید سالکین و العاشقین هادی الموحدین و المتألهمین السائر فضاء الجبروتیة و الطایر فی هواء الالهوتیة عارف عوالم الالهوتیة مالک ممالک الملکوتیة قطب الدین لاخوف علیهم و لاهم یحزنون مرکز دایره بل احیاء عند ربهم یرزقون اعلم علماء المتبحرین افضل فضلاء المنفردین جامع المعقول مجمع الفروع و الاصول سیاح بوادی الایقان سیاح بحار العرفان الفانی فی الله و الباقي بالله سید سادات العظام سند اسناد الفخام

السید ابوالقاسم الفندرسکی قدس سره الزکی و کان وفاته الف و خمین من هجرة النبوی ۱۰۵۰ هـ.

در اتاقی که درست در مجاورت سکوی مقبره میرفندرسکی قرار گرفته است، مزار مرحوم «غلامرضا بختیار» سردار بختیاری، فرزند سردار نصر و تنی چند از افراد خانواده وی می باشد. بر روی سه طرف اتاق ۱۶ لوح گچی وجود دارد که دارای نقاشی ساده با رنگهای آبی و صورتی می باشد و در این لوحها اشعاری به خط نستعلیق گچبری گردیده است که خطاط آنها «میرعماد حسنی» می باشد. اشعار بخشی از یکی از غزلهای حافظ است:

«روضه خلد برین خلوت درویشانست

مایه محتشمی خدمت درویشانست

از کران تا بکران لشکر ظلمست ولی

از ازل تا به ابد فرصت درویشانست

دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال

بی تکلف بشنو دولت درویشانست

آنکه زر می شود از پرتو آن قلب سیاه

کیمیائیت که در حشمت درویشانست

قصر فردوس که رضوانش بدربانی رفت

منظری از چمن نزهت درویشانست

ای توانگر مفروش این همه نخوت که ترا

سر و زر در کنف همت درویشانست

کنج عزلت که طلسمات عجائب دارد

فتح آن در نظر رحمت درویشانست

حافظ از آب حیات ابدی می خواهی

منبعش خاک در خلوت درویشانست

کتبه العبد عماد الحسنی»

### پی‌نوشتها

۱- رضا نوربختیار، *اصفهان موزه همیشه زنده*، انتشارات فروغ دانش، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۳، و نیز، میرسیدعلی جناب، *اصفهان*، به اهتمام عباس نصر، نشر گله‌ها، چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۷۱، صص ۱۷-۴. و محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی، *نصف جهان فی تعریف اصفهان*، با تصحیح و تحشیه دکتر منوچهر ستوده، انتشارات امیرکبیر، فصل پنجم، تهران، ۱۳۶۸، صص ۱۷۸-۱۳۹.

۲- اسکندربیک ترکمان (منشی)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، جلد اول، با مقدمه ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر با شرکت کتابفروشی تأیید، ۱۳۴۴، صص ۵۴۵-۵۴۴ و

Isfahan pearl of persia, Text by wilfrid blunt, printed in london. 1974, p.54

۳- ویلم، فلور. *اولین سفرای*

*ایران و هلند*، به کوشش داریوش مجلسی و دکتر حسین ابوترابیان، بخش سفرنامه بیان اسمیت، انتشارات کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۵۶، ص ۸۱.

۴- آدام، اولتاریوس، *سفرنامه اولتاریوس*، ترجمه حسین کردچچه، شرکت انتشارات کتاب برای همه، در دو جلد، تهران، ۱۳۶۲، ص ۶۰۳.

۵- «کوشک»، در لغت به معنی بنای مرتفع و عالی می‌باشد.

۶- «جوفه» لغتی عربی است که از ریشه «الاجوف» اخذ شده و معنی لغوی آن «فراخ» و بزرگ می‌باشد. همچنین دکتر نفیسی در فرهنگ نفیسی معانی متعددی را برای این کلمه عنوان می‌نمایند از جمله، جای خالی که میان چیزی باشد و فراخی.

۷- سفرنامه اولتاریوس، صص ۶۰۵-۶۰۴.

۸- همان، ص ۶۰۶.

۹- ژان شاردن. *سفرنامه شاردن*، (بخش اصفهان)، ترجمه حسین عریضی، با مقدمه علی دهباشی، انتشارات نگاه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۷.

۱۰- لطف‌الله هنرفر. *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، انتشارات کتابفروشی تقفی، اصفهان، ۱۳۴۴، ص ۴۲۷.

۱۱- سر پرسی سایکس، *تاریخ ایران*، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، انتشارات دنیای کتاب، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳، صص ۲۸۶-۲۸۵. همچنین جهت اطلاع بیشتر ن.ک: آندره، گدار و دیگران. *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸، صص ۲۹۵-۲۸۷ و PP:77-78 *Isfahan pearl of persia*

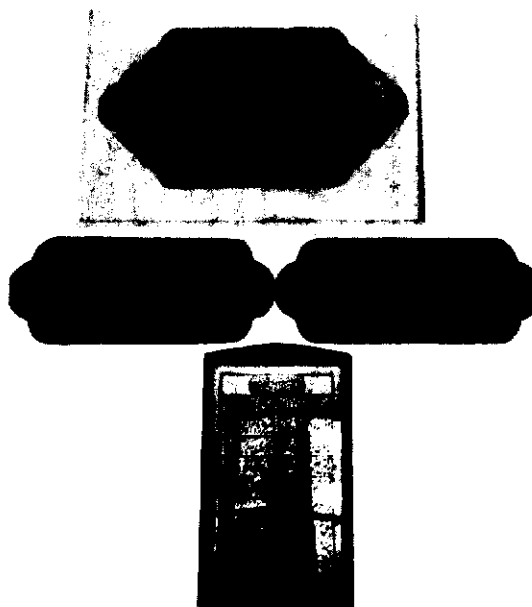
۱۲- سفرنامه اولتاریوس، ص ۶۰۸.

۱۳- *آثار ایران*، ص ۲۹۲.

۱۴- *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، این کتیبه در سردر ورودی ایوان مسجد جامع عباسی قرار گرفته است.

۱۵- جهت اطلاع بیشتر درباره محمد رضا امامی و کتیبه‌های او بنگرید به: *آثار ایران*، صص ۴۵۲-۴۵۱.

۱۶- این کتیبه در زیر محوطه گنبد غربی نگاشته شده است. *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، صص ۴۵۲-۴۵۱.



نمونه خط میرعماد در تکیه میرفندرسکی

در بالای این اشعار که به صورت ردیف زینت بخش سه طرف است در بالای بخش وسط در شش لوحه دیگر اشعار دیگری گچبری گردیده است که بدین شرح است:

«جای فیض علی چو تکیه میر

شد ز فیض خدای فیض علی

فیض فیاض گشت و شد تاریخ

این مکان باد جای فیض علی»

علی را قدر، پیغمبر شناسد

که هنر کس خویش را بهتر شناسد

سقف این اتاق دارای گچبری بسیار ساده‌ای است و مشخص نیست که هدف از بنای این اتاق چه بوده است. شاید بتوان با توجه به اشعار موجود در آن، اتاق را محلی در جهت چله‌نشینی و محل تجمع صوفیان دانست. زیرا مقابر موجود در آن حداقل متعلق به بیش از دو قرن بعد می‌باشد.

تا حدود سه دهه قبل در محل تکیه نقاشی کهنی از شیخ بهائی و میرفندرسکی به همراه یک شیر درنده وجود داشته که خود داستان جالبی دارد و در کنار آن نوشته شده است. حسب الفرموده آقا جوهر، خواجه حضرت ظل‌السلطان «عمل آقا سید حسن». همچنین در اطراف این نقاشی نیز اشعاری به خط نستعلیق موجود بوده است. ۵۴

- ۱۷- آثار ایران، ج ۴، ص ۲۸۹.
- ۱۸- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۳۳.
- ۱۹- تاورنیه در طی دیدارهایش از ایران و اصفهان دائماً با کج‌سلیقگی با ابنیه اصفهان برخورد می‌نماید و همواره از بناها و کوچه‌ها و خیابانهای شهر ایراد گرفته و تنها از این در ورودی تعریف نموده و از سایر بناهای اصفهان به شدت انتقاد نموده است. به عنوان مثال درباره محل اقامت شاه می‌نویسد: «من نمی‌توانم تعریف و تمجیدی بنویسم، زیرا نه در ابنیه آن و نه در باغ آن چیز فشنگی که قابل تحسین و توصیف باشد دیده نمی‌شود...» جای خوشبختی است که سیاحان دیگر نظیر شاردن اکثراً با حسن ظن به معماری اصفهان نگریسته‌اند.
- ن.ک: ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب خواجه نوری، با تجدید نظر دکتر حمید شیروانی، انتشارات کتابخانه سنائی و تأیید، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ص ۳۸۶.
- ۲۰- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۳۳.
- ۲۱- همان، ص ۴۳۴. هم‌اینک اقداماتی از طرف مسئولان میراث فرهنگی برای حفاظت از این در انجام پذیرفته و حتی در گذشته در دیگری جهت حفاظت از در ورودی تعبیه گردیده است، اما با کمال تأسف قسمت‌های عمده‌ای از روکش طلاکوب این در بر اثر مرور زمان و بی‌توجهی مردم و مسئولان ذی ربط از میان رفته است.
- ۲۲- نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ص ۶۳.
- ۲۳- سفرنامه اولتاریوم، ص ۶۰۸.
- ۲۴- سفرنامه شاردن، ص ۶۹.
- ۲۵- سیدمحمد باقر کتابی، رجال اصفهان (جلد اول در علم و عرفان و ادب و هنر)، انتشارات گلهاء، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۵، ص ۲۷۳.
- ۲۶- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، همان، ص ۴۹۳ و نیز لطف‌الله هنرفر، اصفهان، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۲۶ به نقل از مرحوم عباس اقبال و ملا عبدالله افندی از کتاب ریاض‌العلماء، صص ۲۱۵-۲۱۴ و نیز رجال اصفهان، صص ۲۷۶-۲۷۳ و سیدمصالح‌الدین مهدوی، تاریخچه تخت فولاد، انتشارات انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۷۱.
- ۲۷- آثار ایران، ص ۳۰۴.
- ۲۸- همان، جلد ۴-۳، ص ۳۰۵.
- ۲۹- همان، ص ۳۰۶-۳۰۷.
- ۳۰- تاریخچه تخت فولاد، ص ۲۴.
- ۳۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۹۴.
- ۳۲- جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان. تاریخ اصفهان، تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، انتشارات مشعل، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۸۰.
- ۳۳- نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ص ۴۶.
- ۳۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۹۵.
- ۳۵- تاریخ اصفهان، ص ۱۳۱.
- ۳۶- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۰۱. لازم به ذکر است که آقا نور دارای برادری به نام «آقا مؤمن» بوده که در نزدیکی مسجد حمامی بنا نموده و آن را وقف مسجد نموده است. هم‌اکنون حمام دردشت که درست در پشت مسجد قرار دارد و دارای دو در نیز می‌باشد. به همت شهرداری اصفهان در حال مرمت و بازسازی است.
- ۳۷- بنا به نظر آقای دکتر هنرفر کلمه «کومکی» به معنی «کوی» می‌باشد. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ دوم، ص ۵۰۳.
- ۳۸- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۰۳.
- ۳۹- همان، ص ۵۰۳ و نیز عباس بهشتیان، بخشی از گنجینه آثار ملی، انجمن آثار ملی اصفهان، ۱۳۴۳، صص ۱۱۷-۱۱۵.
- ۴۰- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، همان، ص ۵۰۴.
- ۴۱- نصرت‌الله مشکوتی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، اولین نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۴۹، ص ۳۱.
- ۴۲ و ۴۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۵۲۳-۵۲۲.
- ۴۴ و ۴۵- همان، صص ۵۲۴-۵۲۵.
- ۴۶ و ۴۷- همان، صص ۵۳۰ و ۵۳۹.
- ۴۸ و ۴۹- همان، صص ۵۳۷ و ۵۴۰.
- ۵۰- با کمال تأسف هم‌اکنون این دو سنگاب در وضعیت متناسبی نگهداری نمی‌شوند. و یکی از آنها دچار شکستگی گردیده است.
- ۵۱- هم‌اکنون این چهار سنگ که در کنار ساختمان بقعه و در خارج از صحن اصلی قرار دارند در وضعیت مناسبی نگهداری نمی‌شوند و روی این سنگها با کمال تأسف انواع آلودگیها مشاهده می‌شود و خواندن سطور روی آنها به سختی ممکن است، با تشکر از راهنماییهای آقای مهراون علیپور مسؤول مجموعه امامزاده اسماعیل.
- ۵۲- گنجینه آثار تاریخی، ص ۵۴۱. همان‌طور که عنوان گردید امروزه با کمال تأسف اثری از این بنا موجود نمی‌باشد.
- ۵۳- میرفندرسکی اهل فندرسک از توابع استرآباد، از بزرگان حکمت و فلسفه و ریاضیات و عرفان در سده یازدهم هجری و معاصر شاه‌عباس اول و شاه صفی اول صفوی بوده است و نزد هر دو شاه صفوی احترام فراوانی داشت. وی در سال ۱۰۵۰ در اصفهان درگذشت و وصیت نمود که تمام کتابها و رسالاتش پس از مرگ متعلق به شاه صفی اول باشد. جهت اطلاع بیشتر، ن.ک: علی اصغر حلبی. تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۶۹.
- ۵۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۴۶. بنا به گزارش مسئولان، این نقاشی سالها پیش از این از تکیه میر به تهران انتقال یافته و مشخص نیست که آیا به تکیه میر بازگردانده خواهد شد یا خیر. و نیز، تاریخچه تخت فولاد، صص ۲۱۱-۲۱۲ و بخشی از گنجینه آثار ملی، صص ۴۹-۵۰.